

بررسی نبوت حضرت محمد ﷺ از دیدگاه شیعیان

سید حسین جعفری نسب*

چکیده

مقاله حاضر پیرامون نبوت حضرت محمد ﷺ و با روش کتابخانه‌ای است. سوال اصلی این است که شیعیان نسبت به جایگاه حضرت محمد ﷺ چگونه می‌نگرند؟ اهمیت این مسأله ما را به این هدف راهنمایی می‌کند که چگونه که شایسته است به معرفی شخصیت واقعی و عظمت همه جانبه حضرت رسول اکرم ﷺ پردازیم. در ابتدای نوشتار، نبوت در لغت و اصطلاح بررسی و سپس فرق نبوت عامه با نبوت خاصه آورده شد. در ادامه علاوه بر اشاره کردن به ایمان نیاکان پیامبر ﷺ به جایگاه الهی آن حضرت نیز توجه شد و اثبات صلاحیت و نبوتش از منظر روایات اهل بیت عصمت و طهارت ﷺ و فقها و متکلمین پیرو آنان، مورد بررسی قرار گرفت.

واژه‌های کلیدی:

نبوت، حضرت محمد، شیعیان.

* دانش‌پژوه سطح چهار رشته فقه سیاسی مؤسسه آموزش عالی حوزوی امام رضا (ع).

مقدمه

پیامبر اسلام ﷺ انسان کاملی است که دین را آن گونه که دریافت داشت، بی کم و کاست و بدون آلوده ساختن به منافع و انگیزه‌های فردی و گروهی، و به دور از سلیقه، سالم و دست نخورده، به بندگان خدا رسانده و خود به عنوان الگوی عمل و سَنبِلِ راستین دین و برنامه آسمانی خویش، در چشم‌انداز انسانها جلوه‌گر شده و بدین وسیله مردم را به اوج سعادت و سلامت و آزادگی و تقرُّب به خدا راهنمایی نمود.

نبوت در لغت

اهل لغت معانی مختلف برای نبوت ذکر نموده‌اند که به برخی از آنان اشاره

می‌شود.

راغب در مفردات می‌نویسد:

«الْأَنْبِيَاءُ خَيْرٌ دُونَ فَائِدَةٍ عَظِيمَةٍ يَخْصُلُ بِهِ عِلْمٌ أَوْ غَلْبَةٌ ظَنٌّ... وَحَقُّ الْخَبَرِ الَّذِي يُقَالُ فِيهِ نَبَأٌ أَنْ يَتَعَرَّى عَنِ الْكِذْبِ، كَالْتَوَاتُرِ، وَخَبَرَ اللَّهُ تَعَالَى، وَخَبَرَ النَّبِيُّ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ»^۱

نبأ، خبری است که فایده و سود بزرگی دارد، و در آن خبرسه فایده (۱). سود بزرگ
۲. علم و دانش (ظن غالب) باشد. و به خبری که عاری از دروغ باشد در حقیقت «نبأ»
گفته می‌شود مثل خبر متواتر و خبر از سوی خدا و از سوی نبی علیه الصلاة والسلام.

«وَالنُّبُوءَةُ: سَفَارَةٌ بَيْنَ اللَّهِ وَبَيْنَ ذَوِي الْعُقُولِ مِنْ عِبَادِهِ لِإِزَاحَةِ عَلَيْهِمْ فِي أَمْرِ مَعَادِهِمْ وَمَعَاشِهِمْ»^۲. «وَالنَّبِيُّ لِكَوْنِهِ مُبْتَنًى بِمَا تَسْكُنُ إِلَيْهِ الْعُقُولُ الذِّكِّيَّةُ»^۳ نبوت، واسطه بین خداوند و بین صاحبان عقل از بندگان است، برای برطرف کردن علت‌هایی که در امر معاد و معاش آنهاست. «نبی، خبر دهنده به چیزهایی هست که عقول پاک به آن گرایش و آرامش دارند».

فراهیدی در العین می‌نویسد:

«الْأَنْبِيَاءُ، مَهْمُوزٌ: الْخَبَرُ، وَإِنَّ لِفُلَانٍ نَبَأً، أَيْ: خَبْرًا... وَالْفِعْلُ: نَبَأْتَهُ وَاتَّبَأْتَهُ وَاسْتَبَأْتَهُ وَ

۱ حسین راغب اصفهانی، «مفردات الفاظ قرآن»، صفوان عدنان داودی، ج اول، دمشق، دارالقلم، ۱۹۹۲ م، ماده نبأ، ص ۷۸۸.

۲. «همان»، ص ۷۸۹.

۳. «همان»، ص ۷۸۹.

الجميع: الأنباء. والنبي ﷺ يُنبئُ الأنبياءَ عنِ الله عزوجل»^۱.

«نبأ به صورت مهموز به معنی خبر می‌باشد و اینکه برای فلانی نبأ است، یعنی خبر است و فعل نبأته و أنبأته و استنبأته و همه اینها به معنای اخبار می‌آید و نبی ﷺ خبرها را از طرف خداوند ابلاغ می‌کند».

ابن فارس در مقایس می‌نویسد: «انَّ النَّبِيَّ ﷺ اسْمُهُ مِنَ النَّبُوَّةِ، وَهُوَ الِارْتِفَاعُ، كَأَنَّهُ مُفْضَلٌ عَلَى سَائِرِ النَّاسِ بِرَفْعٍ مُنْزَلَةٍ»^۲. «نبی از نبوت گرفته شده که به معنای رفعت و بلندی است، گویا نبی از لحاظ فضیلت و برتری از سایر مردم بالاتر است».

معنای اصطلاحی نبوت در علم کلام و تفسیر

صاحب النکت الاعتقادیه^۳ در تعریف اصطلاحی نبی می‌فرماید:

تعریف نبی: «النَّبِيُّ: هُوَ الْإِنْسَانُ الْمُخْبِرُ عَنِ اللَّهِ بِغَيْرِ وَسِطَةٍ بَشَرٍ، أَعْمٌ مِنْ أَنْ يَكُونَ لَهُ شَرِيعَةٌ كَمُحَمَّدٍ ﷺ أَوْ لَيْسَ لَهُ شَرِيعَةٌ كِيَحْيَى». نبی انسانی است که بدون واسطه بشر از طرف خداوند خبر می‌دهد، اعم از اینکه برای او شریعتی باشد مانند حضرت محمد ﷺ یا برای او شریعتی نباشد مانند حضرت یحیی علیه السلام.

تعریف نبوت: «نبوت عبارت است از اینکه بعضی از افراد بشر واسطه هستند میان خداوند و سایر افراد بشر، به این نحو که دستورهای خدا را از خدا می‌گیرند و به مردم ابلاغ می‌کنند»

شایسته است گفته شود نبوت در اصطلاح عبارتست از اینکه انسانهای کامل با وحی از طرف خداوند خبر می‌دهند و (قید وحی همه افراد را خارج می‌کند)؛ چون وحی مختص پیامبران است.^۴

فرق بین نبی و رسول: ابن اثیر در نهاییه می‌نویسد: «و الرِّسُولُ أَخْصُّ مِنَ النَّبِيِّ لِأَنَّ

۱. خلیل بن احمد فراهیدی، «العین»، مهدی مخزومی، ابراهیم سامری، اسعد طیب، ج ۳، چ دوم، قم، اسوه، ۱۳۸۳. ماده نبأ، ص ۱۷۴۴.

۲. احمد ابن فارس، «معجم المقاییس فی اللغة»، شهاب الدین ابو عمر، بیروت، لبنان، دارالفکر، بی تا، ماده نبأ، ص ۱۰۹؛ محمد بن یعقوب فیروزآبادی، «قاموس المحيط»، چ دوم، بی جا، دار احیاء تراث العربی، ۱۴۲۴ ه ق، ماده نبأ، ص ۱۲۲۷.

۳. محمد بن محمد مفید، «النکت الاعتقادیه»، رضا المختاری، بیروت، دارالمفید، ۱۹۹۳ م، ص ۳۴.

۴. مرتضی مطهری، «مجموعه آثار»، ج ۴، چ نهم، تهران، صدرا، ۱۳۷۸، ص ۳۴۵.

كُلُّ رَسُولٍ نَبِيٌّ وَ لَيْسَ كُلُّ نَبِيٍّ رَسُولًا^۱. رسول اخص از نبی می‌باشد برای اینکه هر رسولی نبی است ولی هر نبی، رسول نمی‌باشد.

علامه طباطبائی هم معتقد به اختلاف بین معنای رسول و نبی می‌باشد، اما با توجه به آنچه که از فحوای مطالب ایشان بدست می‌آید گفتار صاحب نهاییه که بین رسول و نبی عموم و خصوص مطلق قائل شده است را نمی‌پذیرد و در ذیل آیه شریفه ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ﴾^۲ می‌فرماید: «این آیه دلالت روشنی دارد بر اختلاف معنای نبوت و رسالت، البته نه به نحو عموم و خصوص مطلق همچنانکه نزد علمای تفسیر معروف شده که رسول آن کسی است که مبعوث شده و مأمور به تبلیغ هم شده باشد و نبی آن کسی است که تنها مبعوث شده باشد چه مأمور به تبلیغ شده باشد یا نه. چون اگر مطلب از این قرار می‌بود لازم بود که در آیه مورد بحث از کلمه «نبی» غیر رسول اراده شود یعنی کسی که مأمور به تبلیغ نشده و این باجمله «و ما ارسلنا» که در اول آیه است منافات دارد. در بحث نبوت در جلد دوم «المیزان»^۳ روایاتی از امامان علیهم‌السلام نقل شد که دلالت می‌کرد بر اینکه رسول آن کسی است که ملک وحی بر او نازل می‌شود و او ملک را می‌بیند و با او سخن می‌گوید، ولی نبی آن کسی است که خواب می‌بیند و در خواب به او وحی می‌شود، همین مطلب را از آیه ﴿قُلْ لَوْ كَانَ فِي الْأَرْضِ مَلَائِكَةٌ يَمْسُونَ مُطْمَئِنِّينَ لَنَزَلْنَا عَلَيْهِمْ مِنْ السَّمَاءِ مَلَكًا رَسُولًا﴾^۴، «بگو اگر ملائکه در زمین مثل شما آرام راه بروند باز از آسمان ملکی به عنوان رسول بر آنان نازل می‌کردیم» استفاده نمودیم.^۵ حرفهایی که در فرق میان نبی و رسول زده‌اند مثل اینکه «رسول کسی است که مبعوث به شریعت جدید شده باشد و نبی اعم از او و کسی است که شریعت



۱. مبارک بن محمد، ابن اثیر، «نهایه»، بی‌جا، شریعت، ۱۴۲۶ هـ ق، ج ۵، ص ۴.

۲. سوره حج، آیه ۵۲.

۳. محمد حسین، طباطبائی، «المیزان فی تفسیر القرآن»، ج ۲، چ سابعه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۴، ص ۲۳۷.

۴. سوره اسراء، آیه ۹۵.

۵. محمد حسین، طباطبائی، «المیزان فی تفسیر القرآن»، ج ۱۳، چ سابعه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۴، ص ۲۲۲.

سابق را تبلیغ کند» صحیح نیست؛ زیرا در مباحث نبوت^۱ اثبات شد که شرایع الهی بیش از پنج شریعت - نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و محمد ﷺ - نیست با اینکه قرآن تصریح کرده به رسالت عدّه بسیاری از پیغمبران، علاوه بر اینکه هیچ دلیلی بر این فرق نیست. و گفته آن کسی که «رسول آن کسی است که دارای کتاب باشد ولی فی الجمله نسخ شده باشد و نبی کسی است که چنین نباشد، اشکال وجه قبلی بر این دو قول وارد است»^۲.

نبوت خاصه و فرق آن با نبوت عامه:

انسان دارای نفس ناطقه است که اگر به علم و عمل خود را تذکیه نماید، می تواند به حقیقت انسانیت برسد؛ در کلام منسوب به مولی الموحدين امیرالمؤمنین (علیه السلام) است که فرمود: «خلق الانسان ذانفس ناطقة إن زکیها بالعلم والعمل فقد شابها جواهر اوائل عللها و اذ اعتدل مزاجها و فارقت الاضداد فقد شارك بها السبع الشداد و صار موجوداً بما هو انسان دون أن یكون موجوداً بما هو حیوان»^۳.

«انسان با نفس ناطقه خلق گردیده است. اگر به علم و عمل تزکیه شود، شبیه به موجودات عوالم علویه که مبدأ اصلی خلقت او است خواهد شد، و زمانی که به مقام اعتدال رسید و از مواد طبیعی فارغ شد با موجودات عوالم علوی شریک می شود، آنگاه از عالم حیوانیت خارج و به مقام حقیقت انسانیت نائل خواهد شد».

خداوند می دانست که برخی از بندگانش قابلیت و شایستگی دارند تا به اختیار خود به تکامل برسند و همین سبب شد که آنها را از میان انسانها برگزیند.

«هر گاه انسانی به کمال نفس رسید و در مقام استکمال نفس، قوای علمیه و عملیه را در خود جمع کرد، به کمترین مرتبه مقام نبوت رسیده است. هرگاه چنین آدمی مورد توجه خاص ذات حق تعالی قرار گرفت مخلّع به خلعت نبوت می شود. البته نبوت هم مراتب دارد و بالاترین مرتبه همان وجود خاتم الانبیاء است، که مقام و منزلتشان مادون مقام واجب و

۱. محمد حسین طباطبایی، «المیزان فی تفسیر القرآن»، ج ۲، چ سابعه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۴، ص ۱۴۶.

۲. «همان»، ج ۱۴، ص ۴۲۹.

۳. محمدتقی مجلسی، «بحار الانوار»، ج ۴۰، چ سوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳، ص ۱۶۵.

مافوق تمام مراتب امکانیه است»^۱.

مباحث نبوت به دو بخش اصلی، نبوت عامه و نبوت خاصه تقسیم می‌شود «به طور کلی مباحث مختلف که درباره وحی و نبوت می‌شود، یعنی قطع نظر از نبوت یک پیغمبر بالخصوص، مسأله پیغمبری، مسأله نزول وحی، مسأله اینکه هر پیغمبری باید معجزه‌ای داشته باشد اینها را «نبوت عامه» می‌گویند. نبوت خاصه که نبوت عامه مقدمه آن است، بحث درباره پیغمبری یک پیغمبر بالخصوص است»^۲، مثل اینکه درباره رسول مکرّم اسلام ﷺ، به طور جداگانه بحث شود بنابر این «منظور از نبوت خاصه، نبوت پیامبر اسلام حضرت محمد بن عبدالله ﷺ است که آخرین پیامبر و کتابش آخرین کتاب‌ها و رسالتش آخرین رسالتها است و قرآن معجزه جاویدان او تا روز قیامت می‌باشد»^۳.

در مورد نبوت عامه و خاصه اینگونه نیز گفته می‌شود که «نبوت عامه عبارت از لزوم فرستادن پیامبران و احتیاج بشر به آنان و شرایط نبوت و موانع آن و بعض مباحث دیگر است و نبوت خاصه عبارتست از اثبات نبوت و شناختن پیغمبرانی که از جانب خدا مبعوث شده‌اند»^۴.

برای اثبات نبوت یک پیامبر اموری لازم است از جمله: واجد صلاحیت باشد، ادعای پیغمبری نماید و دارای معجزه یا دلیل قطعی دیگر باشد. این طریق برای تصدیق نبوت پیامبر اسلام ﷺ باز است، زیرا ادعای آن حضرت ثابت و کتاب و احکام و دستوراتش در دست، و معجزاتش نیز معلوم است.

پیامبر اسلام ﷺ قبل از بعثت و بعد از آن:

شیعیان معتقدند که پیامبر اسلام؛ خاتم الانبیاء و رسولان و افضل آنها و اشرف مخلوقات است. نور او و اهل بیتش قبل از آفریدن مخلوقات آفریده شد و آن حضرت قبل و بعد از بعثت، از کبائر و صغائر و از هر خطا و اشتباه و نسیان، مصون و معصوم

۱. محمد موسوی (سلطان الواعظین)، «شبهای پیشاور»، علی روح الهی خراسانی، مجید رستکی بابکی، ج ۱، بی جا، لاهیجی، بی تا، ص ۲۳۵.

۲. مرتضی مطهری، «مجموعه آثار»، ج ۴، چ نهم، تهران، صدرا، ۱۳۷۸، ص ۵۲۶.

۳. جعفر سبحانی، «دلیل المرشدین الی الحق المبین»، جواد محدثی، چ اول، تهران، شعر، ۱۳۸۶، ص ۷۲.

۴. عبدالحسین طیب، «کلم الطیب در تقریر عقاید اسلام»، چ چهارم، تهران، کتابخانه اسلام، ۱۳۶۲، ص ۱۴۲.

بررسی نبوت حضرت محمد ﷺ از دیدگاه شیعیان

است، و معتقدند که حرمت آن حضرت، بعد از رحلت از این دنیا به مانند زمانی است که در قید حیات بودند و سلام ما را می شنود و جواب می دهد و زیارت قبر شریف آن حضرت و توسل به او و تبرک به قبر و آثار او و نماز نزد قبر او و در جاهایی که نماز خواند. و در آنجا نشسته است، مستحب است.

امام هادی علیه السلام در مقام درود و تحیت بر پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَفْضَلَ صَلَوَاتِكَ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ... الْمُعْصُومِ مِنْ كُلِّ خَطْأٍ وَ زَلَلٍ، الْمُنْزَهَ مِنْ كُلِّ دَنْسٍ وَخَطْلٍ.»^۱ «بار خدایا، برترین درودهایت را بر سرور ما محمد، بنده و فرستاده ات، نثار فرما، آن که از هر خطا و لغزشی معصوم و از هرگونه آلودگی و یاوه گویی پیراسته بود.»

حضرت علی علیه السلام برتری نبی گرامی اسلام بر دیگر انبیا و پیامبران را به نحو کامل بیان خود قرار می نماید؛ وقتی که عالم یهودی معترضانه می گوید: «فهذا يحيى بن زكريا، يقال اوتى الحكم صبيا والحلم والفهم و انه كان يبكى من غير ذنب»^۲. این يحيى بن زكريا است که گفته می شود در کودکی، حکمت و حلم و درک به او داده شد و بدون اینکه مرتکب گناهی شود می گریست. امیرالمؤمنین در پاسخ او می فرمایند: «لقد كان كذلك، و محمد صلی الله علیه و آله اعطى ما هو افضل من هذا. انَّ يحيى بن زكريا كان فى عصر لا اوثان فيه ولا جاهليّة و محمد صلی الله علیه و آله اوتى الحكم والفهم صبيا بين عبدة الاوثان و حزب الشيطان ولم يرغب لهم فى صنم قط..... و كان يبكى صلی الله علیه و آله حتى يتبل مصلاّه خشيةً من الله عزوجل من غير جرم»^۳.

«آری، يحيى بن زكريا چنین بود، ولی به محمد صلی الله علیه و آله درجاتی بالاتر از آن داده شد. يحيى بن زكريا در زمانی می زیست که نه جاهلیتی وجود داشت و نه بتی در کار بود، ولی به محمد صلی الله علیه و آله در سن کودکی و در بین بت پرستان و حزب شیطان، حکم الهی و فهم

۱. محمد تقی مجلسی، «بحار الأنوار»، جواد علوی، محمدآخوندی، ج ۹۹، چ سوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳، ص ۱۷۸.

۲. «همان»، ج ۱۰، ص ۴۴.

۳. «همان»، ص ۴۵.

و آگاهی داده شد و هرگز گرایش به بت‌ها در او پدید نیامد... آن حضرت نیز، بدون این که جرم و خلافی مرتکب شده باشد از خشیت خدا، چندان می‌گریست که جایگاه نمازش مرطوب می‌گشت».

این روایت بر عصمت اعتقادی پیامبر ﷺ، پیش از بعثت، تأکید می‌نماید. البته در عصمت، تفاوتی بین انبیا نیست. بلکه امتیاز پیامبر گرامی اسلام ﷺ این است که شرایط کفر و الحاد در زمان آن حضرت، بیشتر فراهم بوده است، بنابراین یکتاپرستی ایشان از ارزش بیشتری برخوردار می‌باشد. پیامبر اسلام ﷺ در زمینه اعمال و رفتار خویش برنامه خاصی از سوی خداوند سبحان داشته و طبق آن عمل می‌نموده است، تا این که آیین اسلام بر ایشان نازل گشت.

حضرت علی رضی الله عنه در خطبه «قاصعه» می‌فرماید: «از آن زمان که پیامبر خدا ﷺ از شیر باز گرفته شد، خداوند فرشته‌ای را قرین وی ساخت، تا او را به راه‌های بزرگواری و درستی و اخلاق نیک رهنمون گردد»^۱، لذا آن حضرت قبل از نبوت نیز معصوم بوده است.

ایمان نیاکان پیامبر اسلام ﷺ

نیاکان پیامبر ﷺ انسان‌های پاک و خداشناس بوده‌اند. حضرت علی رضی الله عنه می‌فرماید: «خداوند پیامبران را در برترین جایگاه (صلب پدران) به ودیعت گذارد و آن‌ها را در بهترین مکان‌ها مستقر ساخت، از صلب کریمانه پدران به رحم پاک مادران منتقل نمود. هر زمان یکی از آنان بدرود حیات می‌گفت، دیگری برای پیشبرد دین خدا به پا خواست تا اینکه این منصب بزرگ به محمد رضی الله عنه منتهی شد، و خداوند نهاد اصلی وی را از بهترین معادن استخراج کرد و نهال وجود او را در اصلی‌ترین و عزیزترین سرزمین نشاناند و شاخه هستی او را از همان درختی که پیامبران را از آن آفرید، از همان شجره‌ای که امینان درگاه خود را از آن برگزید، آفرید».

با توجه به روایات^۲، می‌توان نتیجه گرفت که: نیاکان پیامبر ﷺ خداپرست بوده و به

۱. ابوالحسن محمد بن الحسین بن موسی، معروف به سید رضی «نهج البلاغه»، علی نقی فیض الاسلام، چ دوم،

تهران، فقیه، ۱۳۷۵، خطبه ۲۳۴، بند ۶۱ ص ۸۱۱.

۲. محمد باقر مجلسی، «بحار الانوار»، جواد علوی، محمدآخوندی، ج ۱۰، چ سوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳،

شرک و کفر آلوده نگشته و برخلاف شرع و دستورات الهی عمل ننموده‌اند، بلکه همواره بر طبق دین موجود - تا هنگامی که منسوخ نگشته بود - عمل می‌کردند.

نبی خاتم ﷺ از منظر فقها

فقهای شیعه، نبوت حضرت محمد بن عبدالله ﷺ را رکنی از ارکان دین اسلام می‌دانند. شیخ طوسی می‌گوید: «محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب نبی هذه الامة، رسول الله، بدليل انه ادعى النبوه و ظهر المعجز على يده كالقرآن، فيكون نبياً حقاً»^۱ «محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب پیامبر این امت و رسول خداوند است، به دلیل آن که ادعای نبوت نموده و معجزاتی از قبیل قرآن به دستش ظاهر گشت، پس پیامبری بر حق است». و نیز می‌فرماید:

«محمد ﷺ اشرف الانبياء والرسل بدليل قوله ﷺ لفاطمة ؑ: «ابوك خير الانبياء و بعلك خير الاوصياء»^۲. «محمد ﷺ اشرف پیامبران و رسولان است به دلیل خطاب او به فاطمه ؑ: پدر تو بهترین پیامبران و شوهر تو بهترین اوصیا است».

فقهای شیعه، شهادتین - شهادت به وحدانیت خدا و رسالت حضرت محمد ﷺ را - از واجبات نماز می‌دانند که تعمد در ترک آن موجب بطلان نماز است. همچنین صلوات بر پیامبر و خاندان پاک او را در تشهد نماز واجب می‌دانند. تا آنجا که می‌گویند: «کمترین چیزی که در تشهد کافی است، شهادتین و صلوات بر پیامبر و خاندان پاک اوست، اگر بیش از این بگوید بهتر است»^۳.

امام خمینی رحمته الله در مورد سفارش پیامبر ﷺ به مودت اهل بیت عليهم السلام می‌فرماید:

«ما بیچاره‌ها مثل اطفالی که از حکم عقلا سرپیچند، بلکه عقلا را تخطئه می‌کنند، همیشه با آن‌ها در مقام ستیزه و جنگ و جدال بر آمدیم و آن نفوس زکیّه مطمئنّه و ارواح طیبه طاهره، به واسطه شفقت و رحمتی که بر بندگان خدا داشتند هیچ‌گاه از دعوت خویش به واسطه نادانی ما کوتاهی

ص ۷۱.

۱. محمد بن حسن طوسی، «مسائل الکلامیه» در ضمن کتاب الرسائل العشر، قم، اسلامی، بی‌تا، ص ۱۰۵.

۲. «همان».

۳. محمد بن حسن طوسی، «النهايه»، قم، قدس محمدی، بی‌تا، ص ۷۵.

نفرمودند و با زور و زر ما را به سوی بهشت و سعادت کشیدند، بدون اینکه اجر و مزدی از ما بخواهند. آن وقت هم که رسول اکرم ﷺ منحصر می‌کنند اجر خود را به «مودت ذوی القربی»، صورت این مودت و محبت در عالم دیگر برای ما شاید از همه صور نورانی‌تر باشد. آن هم برای خود ماست و رسیدن ما به سعادت و رحمت. پس مزد عاید خود ما شد و ما از آن بهره‌مند گردیدیم»^۱.

در منظر امام خمینی ره رسول گرامی اسلام ﷺ برترین آفریده هستی است و هیچ یک از پیامبران و فرشتگان و اولیاء مقرب الهی به عظمت و منزلت آن گرامی نمی‌باشند. امام خمینی ره با نقل حدیثی از وجود مقدس پیامبر خاتم ﷺ می‌فرماید:

«خدای تعالی آفریده‌ای برتر از من نیافرید و هیچ آفریده‌ای نزد خدای تعالی از من گرامی‌تر نیست. علی علیه السلام پرسید: یا رسول الله! آیا تو برتری یا جبرئیل؟ فرمود: یا علی! همانا که خدای تبارک و تعالی پیامبران مرسلش را بر فرشتگان مقربش برتری داد و مرا بر همه پیامبران و مرسلین برتری بخشید و پس از من برتری از آن تو و امامان پس از توست و همانا که فرشتگان، خدمتگزاران ما و خدمتگزاران دوستان ما هستند»^۲.

در کتاب چهل حدیث برهانی برای اثبات نبوت نبی خاتم ﷺ می‌آورند و می‌فرمایند:

«همین‌طور که اتقان خلقت کائنات و حسن ترتیب و نظم آن ما را هدایت می‌کند که یک موجودی منظم اوست که علمش محیط به دقایق و لطایف و جلایل است، اتقان احکام یک شریعت و حسن نظام و ترتیب کامل آن که متکفل تمام احتیاجات مادی و معنوی، دنیوی و اخروی، اجتماعی و فردی است، ما را هدایت می‌کند به آنکه مشرع و منظم آن یک علم محیط مطلع بر تمام احتیاجات عاقله بشر است؛ و چون به بداهت عقل می‌دانیم که از عقل یک نفر بشر، که تاریخ حیات او را همه مورخین ملل نوشته‌اند و شخصی بوده که تحصیل نکرده و در محیط عاری از کمالات و معارف تربیت شده، این ترتیب کامل و نظام تام و تمام، صادر نتوان شد، بالضروره می‌فهمیم که از طریق

۱. روح الله خمینی، «چهل حدیث»، چ دوازدهم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی‌تا، ص ۴۳.

۲. روح الله خمینی، «مصباح الهدایة»، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۳، ص ۱۶۷.



غیب و ماوراء الطبیعه این شریعت تشریح شده و به طریق وحی و الهام به آن حضرت رسیده وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَىٰ وُضُوحِ الْحُجَّةِ»^۱

نبی خاتم ﷺ از منظر اهل کلام

۱. اثبات واجد صلاحیت بودن آن حضرت

روایات؛ اعم از دوست و دشمن قائلند که پیغمبر اسلام دارای مکارم اخلاق و صفات برجسته و اعمال نیک و غیر ذلک از کمالات نفسانی برخوردار و مبرای از اخلاق زشت و سایر موانع نبوت بوده و قبل از بعثتش به قدری در راستگویی، درستکاری، امانت و نیک رفتاری مشهور بود که او را محمد امین می‌نامیدند و بعد از بعثت نیز به اندازه‌ای با حسن اخلاق و نیکی، رفتار می‌نمودند که بسیاری به واسطه اخلاقیاتش به وی ایمان می‌آوردند و دشمنان سرسخت او — قبل از بعثت و یا بعد از آن — نتوانستند، کوچک‌ترین نقطه ضعفی در اخلاق و رفتار و کردار او پیدا کنند و همین اخلاق او یکی از بزرگ‌ترین معجزات اوست.

قرآن؛ قرآن کلام خدا و معجزه پیغمبر اسلام و مطالبش مطابق با واقع و حقیقت است، در قرآن آیات زیادی یافت می‌شود که بر عصمت و اکمیت و غیر ذلک از شرایط نبوت پیغمبر اکرم ﷺ و همچنین فقدان موانع آن، صراحت کامل دارد؛ ﴿... إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ «همانا خداوند اراده نموده که از شما اهل بیت پلیدی را برطرف و پاک کند شما را پاک کردنی»، و ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ﴾^۲ «از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید»، ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾^۳ «به درستی که تو دارای خلق بزرگی هستی»، و بسیاری از آیات دیگر که دلیل قاطعی است بر صلاحیت پیامبر اسلام ﷺ.

۲. اثبات پیغمبری حضرت رسول ﷺ

نبوت پیغمبر اسلام به تواتر قطعی ثابت و مسلم است و راه خدشه و اشکالی در آن نیست، بلکه همین دعوت او به توحید در مقابل تمام دنیا و استقامت و پایداری او در

۱. روح الله خمینی، «چهل حدیث»، چ دوازدهم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی‌تا، ص ۲۰۱ - ۲۰۲.

۲. سوره نجم: ۵۳، آیه ۳.

۳. سوره قلم: ۸، آیه ۴.

این امر تا آخر عمر، خود دلیل قاطعی بر حقانیت دین اوست.

صدق نبوت پیغمبر اسلام ﷺ با معجزه و دلیل: معجزات پیغمبر اسلام ﷺ دودسته‌اند: دسته اول: معجزاتی که به زمان خود آن حضرت اختصاص داشته و بعد از او باقی نمانده است و اگر یک یک آن‌ها به طریق تواتر ثابت نشود، از نقل همه آن‌ها قدر متیقنی به دست می‌آید که معجزاتی صادر شده و به اصطلاح از طریق تواتر اجمالی به صدور معجزات وی، علم حاصل می‌شود. می‌توان بعضی از آن معجزات را به قرار زیر نام برد: شق القمر، مخاطبه و سخن گفتن با بهائم، سایه انداختن ابر بر سر آن حضرت، ناله کردن ستون درخت از فراق او، تسبیح سنگ‌ریزه در دست او، هم کلام شدن با اموات، کاشتن درخت در زمین و فوراً سبز شدن و میوه دادن، بیرون آمدن آب از میان انگشتان آن حضرت، حرکت کردن درخت و برگشتن به جای خود، شفای چشم دردمند بواسطه آب دهان او، تسبیح طعام در دست او، نور دادن هفده موضع بدن او مانند قمر منیر، تنیدن عنکبوت درب غار، وقوع قضایای شگفت در شب ولادت او - افتادن چهارده کنگره از طاق کسری و خشک شدن دریاچه ساوه و خاموش شدن آتشکده فارس - و غیر ذلک از معجزات دیگر.^۱ دسته دوم: معجزاتی که بعد از آن حضرت نیز باقی مانده و آن‌ها از این قرار است:

الف) قرآن مجید که بزرگ‌ترین معجزه اوست بلکه هر آیه آن معجزه می‌باشد.

ب) علوم و معارف و احکام و قوانینی که از پیغمبر اسلام ﷺ انتشار یافته است.

ج) اخباری که از امور و وقایع آینده داده‌اند.

د) اخلاق حمیده و صفات پسندیده و حالات شریفه اوست که هر چند مشاهده

آنها به زمان خود آن حضرت اختصاص داشته، ولی چون از طریق تواتر قطعی به ما

رسیده و دوست و دشمن، آن را نقل نمودند، به منزله معجزه باقیه می‌باشند.^۲

۱. عبدالحسین طیب، «کلم الطیب در تقریر عقاید اسلام»، چ چهارم، تهران، کتابخانه اسلام، ۱۳۶۲، ص ۲۴۶.

۲. «همان»، ص ۲۴۷.

نتیجه گیری

نبوت در لغت یعنی پیامبری و نبی یعنی پیامبر و ریشه این دو از «نبا» به معنای خبر است و در اصطلاح نبوت عبارت است از اینکه انسان‌هایی کامل با وحی از طرف خداوند خبر می‌دهند. به طور کلی به بحث‌هایی که درباره وحی و نبوت می‌شود نبوت عامه و به بحث جداگانه درباره پیغمبری یک پیغمبر بالخصوص مانند پیامبر اسلام ﷺ نبوت خاصه گفته می‌شود.

نیاکان پیامبر ﷺ همگی خداپرست بوده و به شرک و کفر آلوده نگشته و خلاف شرع و دستورات الهی عمل ننموده اند، بلکه همواره بر طبق دین موجود عمل می‌کردند. اهل کلام می‌گویند: از راه تواتر قطعی، پیغمبر اسلام ﷺ دارای مکارم اخلاق و مبرای از کارهای زشت و موانع نبوت بوده است و کسی کوچک ترین نقطه ضعفی در او ندید. قرآن نیز ایشان را پاک و دارای اخلاق بزرگ معرفی می‌کند و می‌فرماید: از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید. همچنین با دعوی نبوت و معجزاتی که از آن حضرت صادر شد صدق نبوت ایشان به اثبات می‌رسد.

فقه‌ها، نبوت پیامبر اسلام را رکنی از ارکان دین می‌دانند و قائلند که افضل انبیاء و برترین آفریده هستی است و اینکه اجر رسالت خود را در «مودت ذوی القربی» منحصر کرد برای رسیدن مسلمانان به سعادت و رحمت است، همچنین شهادت دادن به رسالت آن حضرت را در تشهد نماز واجب می‌دانند.

پیروان اهل بیت عصمت و طهارت ﷺ با دفاع همه جانبه و مبارزه تاریخی خود از جایگاه والای حضرت محمد ﷺ و اسلام ناب، مانع تحریف شخصیت آن حضرت شدند، بنابراین جایگاه واقعی رسول خدا ﷺ را باید در روایات اهل بیت ﷺ و پیروان راستین آنان شناخت.



فهرست منابع

- قرآن کریم

۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد، «النهاية في غريب الحديث والاثر»، الزاوی، احمد طاهر، محمود محمد الطناحي، ج ۵، چ اولی، بی جا، شریعت، ۱۴۲۶ ه.ق.
۲. ابن فارس، أحمد، «المقاييس في اللغة»، شهاب الدين ابو عمر، بيروت، لبنان، دارالفکر، بی تا.
۳. ابوالحسن محمد بن الحسين بن موسى، معروف به سيد رضى «نهج البلاغه»، على نقى فيض الاسلام، چ دوم، تهران، فقيه، ۱۳۷۵.
۴. خمينى، روح الله، «صحيفه نور»، ج ۲۱، چ اول، تهران، سروش، ۱۳۶۹.
۵. خمينى، روح الله، «مصباح الهداية»، تهران، موسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى، ۱۳۷۳.
۶. خمينى، روح الله، «چهل حديث»، چ دوازدهم، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى، بی تا.
۷. راعب، حسين، «مفردات الفاظ قرآن»، صفوان عدنان داودى، چ اول، دمشق، دارالقلم، ۱۹۹۲ م.
۸. سبحانى، جعفر، «دليل المرشدين الى الحق المبين»، جواد محدثى، چ اول، تهران، مشعر، ۱۳۸۶.
۹. طباطبايى، محمد حسين، «الميزان فى تفسير القرآن»، ج ۲، ۱۳، چ سابعه، تهران، دارالکتب الاسلاميه، ۱۳۸۴.
۱۰. طوسى، محمد بن حسن، «النهايه»، قم، قدس محمدى، بی تا.
۱۱. طوسى، محمد بن حسن، «مسائل الكلاميه»، قم، اسلامى، بی تا.
۱۲. طيب، عبدالحسين، «كلم الطيب در تقرير عقايد اسلام»، چ چهارم، تهران، كتابخانه اسلام، ۱۳۶۲.
۱۳. فراهيدى، خليل احمد، «العين»، مهدى مخزومى، ابراهيم سامرى، اسعد طيب، چ دوم، قم، اسوه، ۱۳۸۳.
۱۴. فيروز آبادى، محمد بن يعقوب، «قاموس المحيط»، چ دوم، بی جا، دار احياء تراث العربى، ۱۴۲۴ ه.ق.
۱۵. كلينى، محمد بن يعقوب، «اصول كافي»، هاشم رسولى، ج ۱، تهران، فرهنگ اهل بيت (عليه السلام)، بی تا.
۱۶. مجلسى، محمد باقر، «بحار الانوار»، جواد علوى، محمد آخوندى، ج ۹۹، ۱۰، ۱۱، ۴۰، ۲۶، ۱۸، چ سوم، تهران، دارالکتب الاسلاميه، ۱۳۶۳.
۱۷. مطهرى، مرتضى، «مجموعه آثار»، ج ۴، ۵، ۶، ۲، چ نهم، تهران، صدرا، ۱۳۷۸.
۱۸. مفيد، محمد بن محمد، «لنكت الاعتقاديّه»، رضا المختارى، بيروت، دارالمفيد، ۱۹۹۳ م.
۱۹. موسوى، محمد (سلطان الواعظين)، «شبهای پيشاور»، على روح الهى خراسانى، مجيد رستكى بابكى، ج ۱، بی جا، لاهيجى، بی تا.

